

بررسی اسنادی میزان پایبندی دولت شوروی به فصل پنجم معاهده مرزی با ایران (پیمان اتحاد سه‌گانه)

هادی وکیلی¹، شادی حاجی‌زاده سعداآباد²

تاریخ دریافت: 1398/03/06
تاریخ پذیرش: 1398/06/20

از صفحه 97 تا 118

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ نظامی
سال ششم، شماره بیست‌ویکم، تابستان 1398

چکیده

هجوم قوای اشغالگر روس و انگلیس به ایران، در شهریور 1320/ اوت 1941، موجب پریشانی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران شد. ایران با وجود اعلام بی‌طرفی در جنگ جهانی دوم، باز هم همانند گذشته تاریخی خود، مورد بی‌مهری و ظلم واقع شد. در بازه زمانی مورد نظر، محمدعلی فروغی عنوان نخست‌وزیری ایران را بر عهده داشت. وی با در نظر گرفتن این امر که سیاست بی‌طرفی رضاشاه با شکست روبه‌رو شده و ناگزیر بایستی با نیروهای متفقین همکاری نمود، به انعقاد موافقت‌نامه‌ای با این دول، همت گماشت. مسئله اختلافات مرزی بین ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم، از سال 1320 ش، به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت و در 9 بهمن همین سال، نخستین موافقت‌نامه مرزی تحت عنوان «پیمان اتحاد سه‌گانه» به امضا رسید. بر اساس فصل پنجم این معاهده، دولت شوروی متعهد شد تا نیروهای نظامی‌اش را که به‌واسطه جنگ جهانی دوم در ایران حضور داشتند، در موعد مقرر، از خاک ایران خارج نماید. پژوهش حاضر با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و تکیه بر منابع معتبر آرشیوی و اسناد، بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که دولت شوروی به چه میزان به تعهدات خود در فصل پنجم این معاهده، در قبال ایران پایبند بوده است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که دولت شوروی در پایبندی به تعهدات خود در قبال ایران تعلل ورزیده و به بهانه‌های گوناگون از عمل به آن‌ها خودداری کرده است.

کلید واژه‌ها

ایران، شوروی، پیمان اتحاد سه‌گانه، پهلوی دوم.

1- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول) sh.haji1372@gmail.com
2- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول) Vakili355@yahoo.com

مقدمه

پس از اشغال ایران توسط نیروهای شوروی و انگلستان در شهریور 1320، همکاری ایران با متفقین اجتناب‌ناپذیر شد، به همین منظور انگلیسی‌ها که نسبت به نقشه متحد جدیدشان شوروی در مورد خاورمیانه با شک و تردید مواجه شده بودند، برای کوتاه کردن دست آن‌ها از منابع نفت جنوب و آب‌های گرم خلیج فارس، پیشنهاد کردند ایران یک پیمان اتحاد سه‌جانبه با روسیه و انگلستان منعقد کند تا اشغال خاک ایران به صورت اقامت دوستانه قوای متفقین در دوران جنگ درآید. ضمناً دو دولت انگلیس و شوروی متعهد شدند که بر اساس فصل پنجم پیمان مزبور «پس از آن که کلیه مخاصمات بین دول متحده و دولت آلمان و شرکای آن به موجب یک یا چند قرارداد متارکه‌ی جنگ متوقف شد، دول متحده در مدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون ببرند و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد، ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متارکه باشد، بلافاصله نیروهای نظامی خود را بیرون ببرند» (مهدوی، 1377: 80؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن 15، پرونده 9-36، شماره 1320؛ کارتن 15، پرونده 10-36، شماره 1320). این قرارداد، در 9 فصل و سه ضمیمه تنظیم شد و در 9 بهمن 1320، به امضای اسمیرنوف، سریدربولارد و علی سهیلی (وزیر امور خارجه) رسید و با 80 رأی از 93 رأی نمایندگان، به تصویب مجلس شورای ملی رسید و کمی بعد، هم محمدرضاشاه آن را امضا کرد (اسناد وزارت امور خارجه، کارتن 15، پرونده 235-38، شماره 1320).

دولت شوروی در تاریخ، هشتم شهریور 1320، یادداشتی تسلیم دولت ایران کرد و رسماً قید و تعهد کرد که به محض این‌که وضعیت جنگی اجازه بدهد نیروی خود را از خاک ایران خارج خواهد نمود. پیمان فوق همان سند مهم سیاسی است که دولت شوروی در پیامی که به ملت ایران در تاریخ چهار آذر 1324 فرستاد و این‌طور بیان کرد: «دولت شوروی هیچ‌گونه منویات تجاوزآمیز بر ضد ایران ندارد و دولت شوروی با کمال دقت پیمان سه‌گانه را به موقع اجرا می‌گذارد. مولوتف رئیس کمیسر خارجه اتحاد جماهیر شوروی در بیست سپتامبر 1945، رسماً به بونین وزیر امور خارجه انگلستان راجع به تخلیه ایران نوشت: در خصوص تخلیه کامل قوای شوروی از ایران، دولت شوروی هم‌چنان که اطلاع دارید این نظر را دارد که تخلیه قوا در عرض مدتی که در

قرارداد سه‌گانه ایران و انگلیس و شوروی قید شده است، صورت پذیرد» (ملک یزدی، 1362: 20).

دولت ایران در 29 اردیبهشت 1324، طی یادداشت‌هایی پیروزی در جنگ را به سه دولت بزرگ متفق تبریک گفت و ضمناً از فرصت استفاده کرد و خاطر نشان ساخت که به موجب ماده پنجم پیمان سه‌جانبه و قولی که در کنفرانس تهران داده‌اند، پس از پایان مخاصمات در اروپا دیگر لزومی به ماندن نیروهای متفق در ایران نیست و بهتر است هر چه زودتر خاک ایران را تخلیه کنند تا اوضاع کشور به حال عادی برگردد و بتوان چاره‌ای برای بهبود وضع فلاکت‌بار مردم اندیشید. این یادداشت‌ها بی‌جواب ماند و متفقین اعتنایی به آن نکردند. فقط در 19 تیر همین سال، سفارت آمریکا پاسخ داد: «عملیات فرماندهی خلیج‌فارس از اول ژوئن خاتمه یافته و از هم‌اکنون ترتیباتی برای تقلیل سریع عده سربازان آمریکایی در ایران داده شده است و به محض این‌که مقتضیات وضعیت نظامی اجازه بدهد این عمل با سرعت هر چه تمام‌تر ادامه خواهد یافت» (مهدوی، 1377: 105).

با توجه به این مقدمات و این که دولت شوروی متعهد به اجرای این پیمان شده بود، سؤال اصلی این نوشتار این است که دولت شوروی به چه میزان به تعهدات خود با ایران در فصل پنجم قرارداد پیمان اتحاد سه‌جانبه پایبند بوده است؟

روش پژوهش

این پژوهش، به روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از کتب، مطبوعات و اسناد وزارت امور خارجه نوشته شده است.

پیشینه پژوهش

مقالات و کتب بسیاری به‌صورت جسته‌وگریخته و با نوشته‌هایی مشابه، به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند. عبدالرضا هوشنگ مهدوی در کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300-1357»، حضور قوای شوروی در خاک ایران را دلیل بر موجه جلوه دادن حضور نیروهای نظامی شوروی در ایران دانسته است. همچنین به متن کامل فصل پنجم این معاهده اشاره کرده و به‌وضوح می‌توان به عدم پایبندی و بدعهدی شوروی در قبال

ایران پی برد. محمد ملک یزدی، در کتاب خود تحت عنوان «غوغای تخلیه ایران» به‌طور مفصل، مسئله خروج نیروهای شوروی از خاک ایران و تعلل ورزیدن این کشور از انجام این تعهد را مورد بررسی قرار داده است. به‌طور کلی پس از واکاوی منابع مربوط به موضوع مورد بحث، به‌طور متفق‌القول تمامی منابع، نتایجی یکسانی از این مسئله به دست آورده‌اند. با این وجود نباید از وجود اسناد که از مهم‌ترین منابع مطالعاتی به حساب می‌آیند غافل شد؛ به همین خاطر، نگارنده با جمع‌آوری اسنادی از سازمان وزارت امور خارجه با دقت بیشتری این مسئله را مورد بررسی قرار داد تا علاوه بر یافته‌های دیگر نویسندگان، مطلبی جدید و منبعی دقیق‌تر بر نوشته‌های پیشین اضافه کند.

برگزاری کنفرانس پتسدام

در کنفرانس پتسدام که از 17 ژوئیه تا دوم اوت 1945 (26 تیر تا 11 مرداد 1324) بین سران سه کشور بزرگ — مارشال استالین نخست‌وزیر شوروی، پرزیدنت ترومن رئیس‌جمهور آمریکا، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان — در حومه پایتخت سابق رایش آلمان تشکیل شد، مسئله تخلیه ایران از نیروهای سه کشور اشغال‌کننده مطرح شد. استالین خروج نیروهایش را از تهران پذیرفت، ولی خروج کامل از کشور را قبول نکرد. او معتقد بود که ارتش متفقین باید به مدت 6 ماه پس از اتمام جنگ با ژاپن، در ایران باقی بمانند (بلیک، 1394: 26). لذا در اعلامیه نهایی کنفرانس پتسدام چنین قید شد: «موافقت شد که سربازان متفقین فوراً از تهران عقب کشیده شوند» (مفیدی، 1360: 418).

در دوم سپتامبر 1945 / 11 شهریور 1324 که ژاپن نیز به دنبال بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی بدون قید و شرط تسلیم شد و آتش جنگ در سراسر جهان خاموش گردید، دیگر بهانه‌ای برای ادامه اشغال ایران باقی نماند. لذا دولت ایران مجدداً طی یادداشت مورخ 21 شهریور 1324، تقاضای خود را در مورد تخلیه قوای بیگانه تکرار کرد. در کنفرانس وزیران خارجه سه کشور بزرگ که در لندن تشکیل شد، شوروی‌ها باز هم در این مورد به بهانه‌جویی پرداختند تا این‌که ارنست بوین وزیر خارجه بریتانیا پیشنهاد کرد که تخلیه ایران طبق ماده‌ی پنجم پیمان سه‌جانبه درست شش ماه پس از جنگ با ژاپن، یعنی در دوم مارس 1946 / 12 اسفند 1324 خاتمه پذیرد. این پیشنهاد مورد موافقت وزیران خارجه شوروی و آمریکا قرار گرفت و سه دولت بزرگ طی یادداشتی تصمیم خود را به ایران اطلاع دادند (مه‌دوی، 1377: 106). چهل روز پس از

تشکیل کنفرانس پتسدام و پس از اعلام تخلیه فوری تهران، در تاریخ 29 شهریور ماکزیموف سفیر کبیر دولت شوروی، به ملاقات وزیر خارجه وقت آقای «انوشیروان سپهبدی» رفت و به ایشان گفت: «به موجب دستوراتی که به من رسیده است و به طوری که قبلاً وعده داده شده که ارتش شوروی تهران را تخلیه کنند، نیروهای شوروی، امروز صبح اطراف تهران را به همراه حومه شهر تخلیه کردند و این قوا مستقیماً به خاک شوروی می‌روند. نطق آقای دکتر اعتبار، یکی از نمایندگان مجلس را که در مجلس شورای ملی ایراد نموده است را در ادامه می‌خوانیم. این است قسمتی از این سخنرانی: «...موضوع دیگر، دوستی ما با دولت شوروی است. باید دانست که کلیه اهالی این کشور علاقه‌مند به دوستی با دولت شوروی هستند و این دوستی مونوپل (انحصار) عدّه مخصوصی نیست. باید شرایط و چگونگی این دوستی صریحاً معین شود و باید معلوم شود که چرا وقتی عده‌ای ژاندارم برای برقراری نظم در یک نقطه‌ای می‌روند از حرکت آن‌ها جلوگیری می‌شود. ما منتظر بودیم که با آن همه فداکاری که در راه پیروزی متفقین کرده‌ایم با ما این‌طور رفتار نکنند. درست است که تاریخ تخلیه ایران را دوم مارس معین کرده‌اند ولی امیدوار بودیم که این آقایان زودتر بروند. در صورتی که حالا می‌بینیم این‌ها نه فقط تاکنون اقداماتی برای تخلیه خاک این کشور نکرده‌اند بلکه ارتششان در نقاط شمالی زیاد هم شده است، مثلاً به طوری که بنده شنیده‌ام، 12 هزار نفر در بندر شاه و در آستارا 18 هزار نفر و در آذربایجان هم به تازگی دو لشکر دیگر آورده‌اند و به قوای فعلی‌شان اضافه شده است» (ملک‌یزدی، 1362: 31). با توجه به متن سخنرانی این نماینده، مشخص می‌شود که شوروی هم‌چنان در نگه‌داشتن نیروهایش در ایران، اصرار می‌ورزد و نه تنها از تعداد آنها کاسته نشده، بلکه افزایش هم یافته است. اقدامات اتحاد شوروی در برابر ایران، زورمندانه و مداخله‌جویانه بود. سند شماره 8، فهرستی از مداخله‌های نیروهای نظامی شوروی در ایران را نشان می‌دهد:

1. نظامیان شوروی در تاریخ 23 دی‌ماه سال 1320، در برخی از شهرستان‌های ایران مداخله کردند و وزارت خارجه انتظار دارد که سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی، همان‌طوری که در یادداشت خود در شهریور 1320، وعده داده است برای جلوگیری از چنین دخالت‌هایی اقدام کند تا نظامیان شوروی در امور داخلی ایران مداخله نمایند.

2. در نامه اداره انتظامات ایران در تاریخ 7 خرداد 1321، به وزارت امور خارجه، نیروهای شوروی در امور داخلی زنجان و نواحی آن مداخله می‌کنند (همان، کارتن 12، پرونده 61-14، شماره 1321).
3. در نامه مورخ 16 فروردین 1321، مأمورین نظامی شوروی در قزوین و بند بوشهر از عبور اتومبیل‌ها و مسافریین جلوگیری کردند و در میدان‌ها و چهارراه‌های بابل، مأمورین شوروی حضور دارند و در امور داخلی شهرهای ایران مداخله می‌نمایند (همان، کارتن 12، پرونده 42-14، شماره 1321).
4. وزیر جنگ، سرلشکر جهانبانی در 28 اسفندماه 1320، طی تلگرافی به وزارت امور خارجه اعلام کرد که طبق گزارشی که از حوزه سربازگیری قزوین رسیده است، پاسگاه‌های شوروی در آن محل از حرکت مأمورین نظام ووظیفه به حدود رشت و لاهیجان و زنجان جلوگیری می‌کنند و کارهای نظام ووظیفه دچار اختلال شده است به همین دلیل با مقامات شوروی مذاکره کنید تا مزاحم مأمورین سربازگیری نگردند (همان، کارتن 12، پرونده 19-14، شماره 1321).

خودداری دولت شوروی در خروج نیروهایش از ایران

روابط ایران و شوروی در سال‌های 1325-1324 ش، به سبب خودداری اتحاد جماهیر شوروی در خروج نیروهایش از ایران، بحرانی شد. توقع ملت ایران برای تخلیه ایران از قوای بیگانه قبل از موعد مقرر در پیمان سه‌گانه، کاملاً به جا و عادی بود ولی جریان اوضاع ثابت کرد که مشکلات متفقین پس از خاتمه جنگ اروپا آن هم از نظر تقسیم اراضی و غنائم حاصله از جنگ، به حدی است که ابداً توجهی به تمایلات عادلانه شریک جنگی خود ایران ندارند. در اول مهرماه سال 1324 / 23 سپتامبر 1945، خبری به این شرح انتشار یافت: «مسئله ایران در مقابل شورای وزیران خارجه با بررسی یادداشت دولت ایران درباره تخلیه جنوب و شمال کشور از قوای انگلیس و شوروی مطرح گردید و انگلیسی‌ها حاضرند که از ماه دسامبر قوای خود را از ایران خارج نمایند لیکن روس‌ها ترجیح می‌دهند که نیروی خود را تا آخرین فرصت که در مارس 1946 م، منقضی می‌گردد، در ایران نگاه دارند» (ملک‌یزدی، 1362: 35). پس از انتشار این خبر، باز هم به دولت و ملت ایران ثابت شد که شوروی به تعهد خود مبنی بر خروج

نیروهایش از ایران در موعد مقرر، تعلل ورزیده است و به بهانه‌های مختلف، می‌خواهد نیروهایش را در ایران نگه دارد. دولت ایران اظهار کرد که اتحاد شوروی در امور داخلی این کشور دخالت می‌کند و باید هر چه سریع‌تر ایران را تخلیه کند. تعویق خروج ارتش شوروی از شمال ایران، باعث شد تا دولت ایران و کشورهای خارجی در مطبوعات خود اعلام کنند که شوروی قصد الحاق خاک ایران را دارد. به همین دلیل از انجام تعهدش سرباز می‌زند (دونایوا- احمدیان، 1388: 96).

دولت‌های انگلیس و آمریکا که همراه شوروی ایران را در اشغال نظامی داشتند، پس از شکست آلمان و هم‌پیمانانش و سرانجام تسلیم شدن ژاپن، برابر توافق‌نامه‌ای که در شهریور 1320، به کوشش محمدعلی فروغی امضا شد، ملزم بودند نیروهای نظامی خود را پس از پایان جنگ (حداکثر تا روز سیزدهم اسفند 1324 برابر دوم مارس 1946) از ایران فراخوانند؛ اما شوروی از یک سو به قصد بهره‌برداری سیاسی از فرقهٔ دموکرات آذربایجان و کوبیدن میخ کمونیسم در ایران و از سوی دیگر برای بهره‌برداری اقتصادی از منابع نفت شمال ایران، از بیرون بردن نیروهای خود پرهیز کرد (امین، 1386: 7). دولت شوروی که در نتیجه غلبه بر دشمن مستحق غرور فوق‌العاده‌ای شد، مایل بود که هر چه می‌گوید و می‌خواهد هم‌چنان که در سیاست داخلی عملی می‌شود، در سیاست خارجی نیز انجام پذیرد (ملک‌یزدی، 1362: 122).

دخالت نیروهای نظامی شوروی در آذربایجان ایران

با ویران شدن دو شهر هیروشیما و ناگازاکی توسط بمب‌های مخرب اتمی در روزهای ششم و نهم اوت 1945، جنگ جهانی دوم عملاً در تمامی جبهه‌ها به پایان رسید. این به معنای آن بود که نیروهای متفقین تا 6 ماه بعد یعنی در 2 مارس 1946، ایران را ترک خواهند کرد. در 9 سپتامبر سال 1945، دولت ایران به دولت‌های متفقین اطلاع داد که تاریخ 2 مارس 1946، موعد مقرر تعیین شده برای تخلیهٔ نیروهای آن‌ها از ایران است. دولت انگلستان با مهلت تعیین شده توسط ایران موافقت کرد (بلیک، 1394: 27)؛ اما روس‌ها کماکان در داخل ایران حضور داشتند و به‌شدت در تحولات داخلی ایران در آذربایجان فعال بودند. شوروی در 1946، پس از پایان جنگ از خروج نیروهایش از آذربایجان امتناع ورزید و با حمایت از فرقهٔ دموکرات و مسلح کردن آن‌ها، داعیهٔ خودمختاری طلبی آن‌ها را تقویت و تشدید نمود (اطلاعات سال 19، ش 5818،

1324/9/12). «روس‌ها می‌خواستند قبل از تخلیه ایران از نیروهای خود، آذربایجان را از پیکر ایران جدا کنند و تدریجاً به صورت یکی از جمهوری‌های شوروی یا ضمیمه جمهوری آذربایجان شوروی درآورند» (طلوعی، 1386: 556). «دولت شوروی برای توجیه اعمال خود در ایران، اعلام کرد که مسئولیت وقایع و آشوب‌های آذربایجان به گردن (عناصر مرتجع) بوده و مقامات نظامی شوروی ابداً در امور داخلی ایران مداخله نمی‌کنند و علاوه بر این تهدید نمود که اگر دولت ایران باز هم درصدد اعزام قوا به نواحی شمالی برآید دامنه هرج و مرج و ناامنی زیادتر خواهد شد و دولت شوروی مجبور می‌شود که برای حفظ امنیت پادگان شوروی و برقراری نظم و آرامش، واحدهای جدیدی به خاک ایران وارد کند» (لنزوسکی، 2535: 322).

اهمیت مسئله نفت شمال برای شوروی

درواقع سه عامل نفت شمال، آینده سیاسی ایران و نقش آمریکا در کشورهای خاورمیانه، بر جهت‌گیری شوروی نسبت به ایران نقش اصلی داشتند. علت اصلی این بهانه‌جویی‌های شوروی، مسئله نفت شمال بود که سال قبل امتیاز آن را از دولت ایران تقاضا کرد ولی در نتیجه مبارزات دکتر مصدق، با مخالفت مجلس روبه‌رو شد. دولت شوروی، خروج ارتش سرخ از ایران را به امضای توافق‌نامه نفتی و ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای سرمایه‌گذاری مشترک در نفت شمال مشروط کرد و در مسکو استالین شرایط خود را به این شرح اعلام کرد: «در صورت موافقت با تشکیل شرکت مختلط ایران و شوروی برای بهره‌برداری از نفت شمال ایران، ارتش سرخ استان‌های مرکزی ایران را تخلیه خواهد کرد، ولی استان‌های شمالی را تا هر وقت مقتضی بداند به موجب ماده هشتم معاهده 1921، در اشغال خواهد داشت» (منتظری، 1393: 23). ایوان سادچیکوف سفیر جدید شوروی در تهران به قوام اطلاع داد که در صورتی که با تشکیل یک شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که 51 درصد سرمایه‌اش متعلق به شوروی و 49 درصد آن متعلق به ایران باشد موافقت کند، نیروهای روسی تا 9 مه (19 اردیبهشت)، کلیه خاک ایران را تخلیه می‌کنند (مهدوی، 1377: 114). وزیر خارجه وقت آمریکا «جیمز بیرنس» در کتاب خاطراتش که تحت عنوان «گفتار صادقانه» انتشار یافته است، درباره مذاکرات کنفرانس مسکو توضیحات مفصلی داده است و از آن جمله درباره ایران می‌نویسد: «در اولین ملاقات با استالین که روز نوزدهم دسامبر (28 آذر

1324) صورت گرفت به او گفتم که ما راجع به وقایع ایران به واسطهٔ تعهدی که پرزیدنت روزولت و چرچیل و خود او در سال 1943، در تهران داده‌اند بسیار نگران هستیم. دولت ایران در اجرای تعهدات مذکور تقاضا کرده است نیروهای خارجی هر چه زودتر آن کشور را تخلیه کنند، ما بلادرنگ دستور دادیم بقیهٔ ارتش آمریکا از ایران خارج شوند و من پیامی برای دولت شوروی و دولت انگلستان فرستادم و توصیه کردم آن‌ها هم همین کار را انجام دهند، ولی دولت شوروی نه فقط از تخلیهٔ ایران خودداری می‌نماید، بلکه از حرکت 1500 سرباز ایرانی به سوی آذربایجان جلوگیری کرده است. من به استالین گفتم که اگر ما تعهدات مندرجه در اعلامیهٔ تهران را انجام ندهیم احتمال کلی دارد که ایران شکایت خود را در جلسهٔ ملل متحد که به زودی در لندن منعقد خواهد شد، مطرح کند و آمریکا به‌عنوان امضا کننده اعلامیهٔ تهران مجبور خواهد شد که از ایران پشتیبانی نماید ... به نظر من توضیح این مسئله بسیار مشکل است که حضور 1500 سرباز ایرانی چگونه ممکن است 30000 ارتش شوروی را، چنان که اظهار شده به خطر بیندازد. استالین در جواب من گفت معادن نفت شوروی در اطراف باکو در نزدیکی مرز ایران واقع شده و امنیت این معادن برای دولت شوروی حائز اهمیت است. این معادن باید در مقابل هر اقدام خصمانه‌ای از طرف ایران محافظت شود و هیچ اعتمادی هم به دولت فعلی ایران نمی‌توان داشت. ممکن است عناصر خراب‌کاری به معادن مزبور اعزام شوند و چاه‌های نفت را آتش بزنند. استالین افزود که دولت شوروی قصد ندارد که ایران را قبل از آن تاریخ تعیین شده تخلیه کند و در آن تاریخ هم باید وضع را بررسی نمود و ملاحظه کرد که آیا ممکن است سربازان شوروی را از ایران خارج نمود یا نه. استالین هم چنین متذکر شد که قرارداد 1921 بین ایران و شوروی، به دولت شوروی این حق را می‌دهد که هرگاه احتمال خطری از منبع خارجی متوجه اتحاد شوروی شود، ارتش خود را به شمال ایران اعزام نماید» (طلوعی، 1386: 554).

شکایت ایران به شورای امنیت

پس از اشغال ایران در شهریور 1320 توسط نیروهای متفقین، سه نیروی خارجی به بهانهٔ این که ایران در دست آلمان نیفتد و آلمان از طریق ایران به منابع نفتی قفقاز دست پیدا نکند به ایران آمدند. آمریکا و انگلیس بعد از کنفرانس تهران، نیروهای خود را از ایران بیرون بردند ولی اتحاد شوروی ماند و به همین خاطر، روز 26 مارس 1946،

قضیه ایران در شورای امنیت مطرح گردید. تقی‌زاده در 7 بهمن 1324، شکایت ایران از شوروی را در شورای امنیت مطرح کرد و ضمن آن اظهار داشت: «ایران یکی از اعضای سازمان ملل متحد است که در دوران جنگ با کمال وفاداری کلیه منابع خود را برای پیروزی در دسترس متفقین گذاشت تا آن‌جا که لقب پل پیروزی گرفت. ایران در این خدمات انتظار پاداشی ندارد جز آن که ملل بزرگ به تعهدات خود که در پیمان سه‌جانبه و اعلامیه تهران به آن‌ها اشاره شده است عمل کنند. اکنون ایران دورانی را می‌گذراند که بسی پر تشویش است. وضع ایران اکنون مشمول ماده 14 اساس‌نامه سازمان ملل متحد¹ شده و محقق است که وظیفه حل این مسئله به این سازمان که برای همین مقاصد تشکیل شده محول می‌گردد و اگر این مسئله به زودی حل نشود باید آشکارا عرض کنم که این خود یک آزمایش روشنی برای ایفای وظیفه مجمع است و میزان اعتماد و اطمینان کامل ملل کوچک را نسبت به قضاوت ملل بزرگ درباره خود نشان می‌دهد. ضمناً یادآور می‌شود که چون جنگ اروپا خاتمه یافته است و توقف نیروی متفقین در خاک ایران به هیچ‌وجه ضرورتی ندارد مقتضی است اقدام نمایید که نیروی آن دولت خاک ایران را تخلیه نمایند تا در نتیجه اوضاع ایران به حال عادی برگردد» (ملک یزدی، 1362: 22). پاسخ آندره ویشینسکی نماینده شوروی چنین بود: هیئت نمایندگی شوروی اظهارات نمایندگی ایران را راجع به اینکه دولت اتحاد جماهیر شوروی به وسیله مأمورین و نیروهای مسلح خود در امور داخلی ایران مداخله می‌نماید بی‌اصل و اساس تلقی کرده و حضور قوای شوروی در ایران را به موجب قرارداد 26 ژانویه 1921 و پیمان انگلیس و ایران و شوروی مورخ سال 1942، کاملاً قانونی می‌داند (مهدوی، 1377: 111).

در دی 1324 / ژانویه 1946، دولت ایران با حمایت آمریکا و بریتانیا از شوروی خواست قوای خود را از ایران خارج کند و در سازمان ملل متحد رسماً شوروی را متهم به مداخله در امور داخلی خود کرد. پرزیدنت ترومن در 21 مارس 1946، پیام اتمام حجتی به مارشال استالین ارسال کرد و رئیس‌جمهور آمریکا در این پیام پس از

1- مجمع عمومی با رعایت مقررات ماده 12 می‌تواند برای حل مسالمت‌آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانه بین‌الملل لطمه زند و منشأ آن هر چه باشد، از جمله وضعیت‌هایی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این منشور است اقداماتی را انجام دهد.

اشاره به مفاد پیمان سه‌جانبه که تخلیه قوای بیگانه را از خاک ایران در مدتی که زیاده از شش ماه از خاتمه جنگ نباشد مقرر داشته بود، اشعار می‌داشت: «علت غائی اعزام ارتش متفقین به ایران این بود که لوازم و مهمات جنگی به روسیه فرستاده شود و قسمت عمده مهمات مزبور از آمریکا ارسال شد تا شوروی‌ها بتوانند در مقابل آلمانی‌ها مقاومت نموده و آنها را شکست بدهد. وقتی جنگ به پایان رسید ارتش آمریکا از ایران خارج شد و ارتش انگلیس نیز در سر موعد مقرر ایران را تخلیه کرد. مردم و دولت ایران متوقع بودند که شوروی‌ها هم همین کار را بکنند و چون نکرده‌اند دولت ایالات متحد تقاضا دارد که ارتش شوروی طبق مفاد پیمان سه‌جانبه تا یک هفته دیگر شروع به تخلیه ایران کند و تا شش هفته دیگر تمام ارتش خود را از ایران خارج نماید و اگر چنین نکند به ارتش آمریکا دستور داده خواهد شد که به ایران مراجعت نماید». با توجه به اینکه ایالات‌متحده آمریکا در آن هنگام تنها کشوری بود که بمب اتمی داشت و رئیس‌جمهورش در دفاع از ایران کاملاً مصمم به نظر می‌رسید، شوروی‌ها از هرگونه برخورد نظامی با آمریکا دوری کردند و رادیو مسکو در 4 فروردین 1325، اطلاعیه رسمی دولت شوروی را منتشر ساخت مبنی بر این که «فرماندهی ارتش شوروی در ایران معتقد است که اگر اتفاق غیرمترقبه‌ای روی ندهد، تخلیه کامل ایران از ارتش سرخ در عرض پنج الی شش هفته آینده خاتمه خواهد یافت» (همان: 114). پس از انتشار این پیام، دولت شوروی رسماً اعلام داشت که تصمیم گرفته است تا دوم ماه مارس قوای خود را از خراسان و شاهرود و سمنان بیرون ببرد (لنزوسکی، 2536: 326). سرانجام به دنبال اعمال فشار سازمان ملل و دولت آمریکا و همچنین مذاکراتی که دولت ایران با دولت شوروی انجام داد، شوروی نیروهای خود را در بهار سال 1946 م، از ایران خارج کرد (بلیک، 1394: 28). فردای آن روز دولت قوام طی اعلامیه‌ای تخلیه کامل ایران را از نیروهای نظامی شوروی تأیید کرد و مراتب را رسماً به شورای امنیت سازمان ملل اعلام داشت (امینی، 1381: 139).

موافقت‌نامه قوام - سادچیکوف

در طی موافقت‌نامه قوام - سادچیکوف که در 15 فروردین سال 1325، به امضا رسید، قرار شد شرکت مختلط نفت توسط ایران و شوروی تشکیل شود و دولت شوروی متعهد شد که در ازای تشکیل این شرکت، نیروهایش را از ایران خارج کند. این قرارداد شامل سه بخش است:

1. قسمت‌های ارتش سرخ از تاریخ 24 مارس 1946، یعنی یکشنبه چهارم فروردین 1325، ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه کنند.
2. قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ 24 مارس تا انقضا مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد شود.
3. راجع به آذربایجان چون امر داخلی ایران است، ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده شود.

بر اساس موافقت‌نامه قوام - سادچیکوف، شوروی می‌بایست تا اواخر اردیبهشت سال 1325، تمام نیروهای خود را بیرون ببرد. ایران شکایت خود را از سازمان ملل، بگیرد. دولت مرکزی ایران می‌بایست اختلافات خود را با دولت محلی آذربایجان «مسالمت‌آمیز» و با توجه به اصلاحات مورد نیاز حل کند و قوام می‌بایست موضوع تشکیل یک شرکت نفتی متعلق به ایران و شوروی را در مجلس پانزدهم مطرح کند. مدت فعالیت این شرکت بایستی پنجاه سال باشد، در استان‌های شمالی فعالیت کند و سود آن به صورت برابر بین شرکا، تقسیم شود (آبراهامیان، 1377: 86). به محض این که مجلس پانزدهم در تیرماه 1326، گشایش یافت، سفارت شوروی طرح قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی را به قوام تسلیم کرد و خاطرنشان ساخت که دولت شوروی تعهدات خود را در مورد تخلیه ایران طبق موافقت‌نامه 15 فروردین 1325، به موقع انجام داده و اینک بر دولت ایران است که هر چه زودتر لایحه مربوط به نفت شمال را به مجلس تقدیم کند. نیروهای شوروی در اواخر اردیبهشت 1325، خاک ایران را ترک کردند، اما موافقت‌نامه در مجلس پانزدهم تصویب نشد و قوام اظهار کرد که نمی‌تواند مجلس را به تصویب تشکیل شرکت مختلط نفت وادار کند. سرانجام با

سرکوب جدایی‌طلبان مناطق خودمختار، غائله آذربایجان و کردستان به پایان رسید (منتظری، 1393: 9). با رد موافقت‌نامه قوام - سادچیکف در مجلس پانزدهم، بار دیگر دوره‌ای بحرانی در روابط ایران و شوروی آغاز شد که تا دولت رزم‌آرا در تیر 1329، کمابیش ادامه یافت. در ماه‌های بعد، تیرگی روابط دو کشور، به حدی بالا رسید که دولت شوروی بازرگانان خود را در ایران کاهش داد، خط کشتیرانی باکو - انزلی را تعطیل کرد، قسمتی از تأسیسات شمال را برچید و کارزار تبلیغاتی وسیعی علیه دولت ایران به راه انداخت (همان: 10).

نتیجه‌گیری

وقوع جنگ جهانی دوم موجب شد تا پیامدها و اثرات آن به کشورهای خاورمیانه از جمله ایران کشانده شود. هجوم آلمان به شوروی، خطر تسلط قدرتهای سرمایه‌داری بر چاه‌های نفت ایران را جدی ساخت. به همین منظور، در 9 بهمن 1320، پیمان اتحاد سه‌جانبه بین ایران، انگلیس و شوروی منعقد شد و بر اساس فصل پنجم این معاهده، شوروی متعهد شد تا پس از پایان یافتن جنگ، تمام نیروهایش را از خاک ایران خارج نماید. از خلال مباحث و مطالب مورد مطالعه در کتب، مقالات و مطبوعات و اسناد، می‌توان چنین استنباط کرد که شوروی نه تنها نقض عهد کرد، بلکه با افزایش حضور نیروهایش در نقاط مختلف ایران از جمله آذربایجان به دنبال اهدافی دیگر بوده است. از مهمترین دلایلی که می‌توان برای حضور نیروهای نظامی شوروی در ایران ذکر کرد این است که کشور ایران، هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی دوم، بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود و بنابر شرایط، شوروی و دیگر نیروهای متفقین نمی‌توانستند بدون داشتن بهانه‌ای در ایران حضور نظامی داشته باشند. به همین دلیل شرایط انعقاد این معاهده را فراهم آوردند تا حضور نامشروع خود در خاک ایران را مشروع جلوه دهند. بررسی معاهدات مرزی منعقد شده بین ایران و شوروی در نخستین سال‌های 1320، به‌خوبی بیان‌گر عدم پایبندی، بدعهدی و نقض عهد شوروی در قبال ایران می‌باشد.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (1377). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- امینی، علیرضا (1381). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران، نشر صدای معاصر.
- بابائی، غلامرضا (1375). تاریخ سیاست خارجی ایران از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز، تهران، درسا.
- بلیک، کریستین (1394). روابط خارجی ایران از 1320 تا 1341، روایتی جدید از رویارویی آمریکا و شوروی در ایران. ترجمه علی باقری دولت‌آبادی و حوریه دهقان، تهران، نشر مخاطب.
- طلوعی، محمود (1386). پدر و پسر، تهران، نشر آفتاب.
- لنزوسکی، جورج (2536). رقابت روسیه و غربی در ایران. ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جاویدان.
- مفیدی، حسن (1360). اسناد کنفرانس‌های تهران، یالتا، پتسدام، تهران، نشر پارت.
- ملک یزدی، محمد (1362). غوغای تخلیه ایران، تهران، انتشارات سلسله.
- مهدوی، هوشنگ (1377). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی 1300-1357، تهران، نشر پیکان.
- منتظری، حمیدرضا، روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (1320-1357 ش)، تاریخ روابط خارجی، شماره 58 و 59، بهار و زمستان 1393.
- دونایوا، یلنا لود میلاکولاگینا (1388). تاریخ شکل‌گیری مرزهای روسیه با ایران. ترجمه بهرام امیر احمدیان، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

روزنامه

- روزنامه اطلاعات، سال 19، شماره 5818، 1324/9/12.

اسناد

- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، کارتن 15، پرونده 9-36، شماره 1320.
- _____، کارتن 15، پرونده 10-36، شماره 1320.

- _____ ، کارتین 15 ، پرونده 38-235 ، شماره 1320 . -
- _____ ، کارتین 16 ، پرونده 35-18 ، شماره 1320 . -
- _____ ، کارتین 12 ، پرونده 14-19 ، شماره 1321 . -
- _____ ، کارتین 12 ، پرونده 14-42 ، شماره 1321 . -
- _____ ، کارتین 12 ، پرونده 14-61 ، شماره 1321 . -
- _____ ، کارتین 12 ، پرونده 14-52 ، شماره 1321 . -



وزارت امور خارجه

اداره
شماره
تاریخ
پیوست

- ۴ -

و ادارات دولت ایران حتی الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحوی که مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد .
مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بسود و مزاحمت آنها با ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور و رفت و آمد عادی سکه و اجرای قوانین و مقررات ایران در حد اقل امکان خواهد بود .

۲ - هرچه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان يك با چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متحده بسبب مقررات این فصل و فقره (ب - ج - د) از بند دوم فصل سوم برهمیده خواهند داشت در اموری از قبیل خرید های محلی و اجاره آبنبیه و تأسیسات صنعتی و بکارگرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن فیما بین منعقد خواهد شد .
قرار داد مخصوص منعقد خواهد شد ما بین دول متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد از جنگ آبنبیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند بجه شرایط بد دولت شاهنشاهی ایران واگذار میشود در قرارداد های مزبور مصونیت هائی هم که قوای دول متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید .

فصل پنجم

پس از آنکه کلیه مخاصمه ما بین دول متحده با دولت آلمان و شرکای او بموجب يك با چند قرارداد متارکه جنگ متوقف شد قوای دول متحده درمد تیکه زاده از ششماه نباشند از خاک ایران بیرون برده خواهند شد و اگر پیمان صلح ما بین آنها بسته شد و لواءیکه قبل از ششماه بعد از

x لورصر

نوبت



وزارت امور خارجه

اداره
 شماره
 تاریخ
 پیوست

- ۵ -

متارکه باشد بلا فاصله قوای خود را بیرون خواهند برد. مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده با یکی از دولت متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد.

فصل ششم

۱ - دولت متحده متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روش اختیار نکنند که بشامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای نیندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد میشوند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاهی متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهای منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم

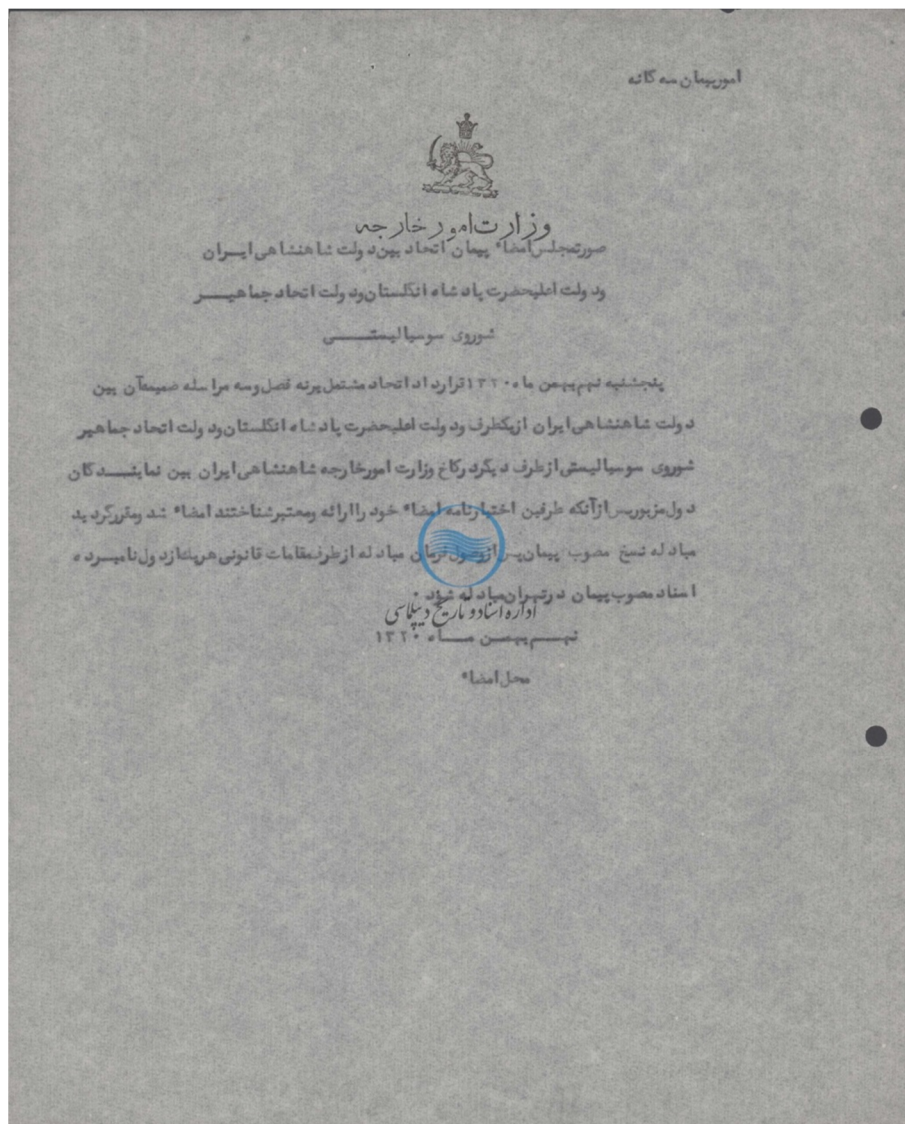
دولت متحده مشترکاً متعهد میشوند که بهترین مساعی خود را بکار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند. پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد ما بین دولت ایران و دولت متحده مذاکرات شروع خواهد شد.

فصل هشتم


مقررات این پیمان ما بین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و هر یک از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان الزام آور است.

نوبت ۸

مهر



تاریخ ۱۳۲۷ / ۰۸ / ۱۳۲۱
شماره ۱۵۵۹۷ / ۴۹
بیوست سرورز



وزارت کشور
اداره انتظامات
دایره

۲۱ / ۴۱ / ۱۳۶۸

وزارت امور خارجه

مخطوفای نامه شماره ۴۰۰۰۴ / ۲۶۷۳ - ۲۹ / ۱۱ / ۲۰ راجع
به خالت نیروی شوروی در کارهای داخلی درحدود زنجان اینک
رونوشت گزارش شماره ۱۴۳۲ - ۲۸ / ۲ / ۲۱ ناحیه یک امنیه مرکز
که از امنیه کل کشور رسید ما است برای مزید استحضار تلو ایفا میشود
متمنی است مقرر فرمایند از نتیجه این وزارت را مستحضردارند .

اداره اساد و تاریخ و سیاسی

وزیر کشور

الله تعالی
۲۱ / ۳ / ۹

ورود بقصر اداره و دفتر سیاسی
شماره ۸۴۷
تاریخ ۱۳۴۱ / ۰۹ / ۰۹

۷۷۷۵
۲۱ / ۳ / ۹



تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۱ ماه ۱۳۲۱

شماره ۲۹۹۰۹۱۳۱۳۱۳۱۳

پیوست

وزارت کشور

اداره ستیاسی

دایره

وزارت امور خارجه

+ **ورود دفتر اداره دو هم سپاسی**
 شماره ۱۳۲
 تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۱

در قزوین و بندر نوشهر ما مورین نظامی شوروی از عبور اتومبیل و مسافر جلوگیری

و تقاضای ارائه پروانه عبور می نمایند و همچنین در ریایل و شاهای در میدانها

و چهارراه هاما مورین تامین عبور و مرور از سربازان شوروی گماشته شده .


خواهشمند است مقرر فرمایند با مذاکره با سفارت شوروی رفع این اقدامات

را که باعث زحمت است بنمایند .

+

۱۳۰۰۰-۲ قوتی ۱۳۰۰۰-۲
خاتمه مظهری

وزیر کشور
 در امضاء (نام) ...
 دستور منع ...
 ۱۳۲۱/۱/۱۱
 ۱۳۲۱/۱/۱۱
 ۱۳۲۱/۱/۱۱

 وزارت امور خارجه تاریخ ۱۳ ماه ۳ سنه ۱۳۲۱ جزوه‌دان ۱۲ پرونده ۱۴					
مدافعان نامورین نظامی شوروی در امور داخل ایران. دکترا عبدالصمد صلیبی					
شماره اندیکاتور	شماره رسید	تاریخ نامه	خلاصه مطالب و توضیحات	از کجا و از کی	شماره نوشته‌جات
۴۰۷۷	۴۰۷۷	۱۱/۱/۲۵		وزارت کور	۱
-	۸۲۰	۰۰۱۵		وزارت کور	۲
۳۳۲۵۲	۱۱۴۱	۲۱/۱/۱۱		وزارت کور	۳
-	"	۲۱/۲/۲۲		وزارت کور	۴
۹۰۰۱۹	۳۳۳۱۹	۳۱/۱۲/۲۸		وزارت کور	۵
-	۴۱۰۵۳	۲۷/۳/۱۰		وزارت کور	۶
۱۱۵	۳۵۱۶	۲۱/۳/۲۲		وزارت کور	۷
۴۰	۳۷۰۱	۲۷/۱/۲۴		وزارت کور	۸
-	-		اداره اسناد و کتابخانه ملی	وزارت کور	۹
-	۳۷۰۱	۲۱/۳/۲۲		وزارت کور	۱۰
-	۴۹۵۵	۲۱/۲/۲۸		وزارت کور	۱۱
-	۴۶۵۷	" " "		وزارت کور	۱۲
-	۴۸۵۵	۲۱/۲/۱۰		وزارت کور	۱۳
-	۴۸۶۱	" " "		وزارت کور	۱۴
۱۲۴۱	۱۴۶۷	۲۱/۱/۱۲		وزارت کور	۱۵
-	-	-		وزارت کور	۱۶
-	۱۴۹۷	۲۱/۲/۱۰		وزارت کور	۱۷
۲۳۷۳	۳۳۳۳	۲۱/۲/۲۸		وزارت کور	۱۸
-	-	-		وزارت کور	۱۹
-	۵۱۹۱	۲۱/۲/۱۵		وزارت کور	۲۰
-	-	-		وزارت کور	۲۱
-	۵۷۸۵	۲۱/۲/۱۲		وزارت کور	۲۲
۵۹۸۹	۵۰۴۴	۲۱/۲/۲۸		وزارت کور	۲۳